

الحمد لله
الرحمن الرحيم



توضیح الکفایۃ

مباحث الفاظ

جلد (۱)

درس سطح کفایۃ الاصول

استاد اعظم حضرت آیت اللہ

سید محمد تقی دیباجی حنفی اصفہانی

بیت

سید احمد دیباجی اصفہانی

سرشناسه: دیباجی، سید محمدتقی، ۱۳۲۴-
 عنوان ویدیدآور: توضیح الکفایه/ مولف: آیت‌الله سید محمدتقی دیباجی؛
 مشخصات ظاهری: ۵۶۲ ص.
 تحقیق و تنظیم: حجت الاسلام سید احمد دیباجی.
 مشخصات نشر: قم: نور البشری، ۱۳۹۷.
 شابک: ۷-۴۸-۷۸۳۵-۶۰۰-۹۷۸.
 یادداشت: فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.
 یادداشت: درس‌های متن کفایه الاصول حضرت آیت‌الله دیباجی اصفهانی رحمته سال‌های ۸۳-۷۹
 یادداشت: ج. ۱ چاپ اول: ۱۳۹۷ بهار.
 یادداشت: کتابنامه.
 عنوان دیگر: شرح توضیح الکفایه.
 موضوع: اصول فقه شیعه - ۱۳۲۱ هـ.ق.
 شناسه افزوده: دیباجی، سید احمد، ۱۳۵۷ - تحقیق.
 شناسه افزوده: موسسه فرهنگی نور البشری،
 رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۷ ک ۹ ج ۲ / ۱۹۰ BP
 رده‌بندی دیویی: ۲۹۷ / ۳۷۲
 شماره کتابخانه ملی: ۴۶۶۵۳۱۲



- * کتاب: توضیح الکفایه جلد اول
 * مؤلف: حضرت آیت‌الله سید محمدتقی دیباجی اصفهانی رحمته
 * به قلم: سید احمد دیباجی اصفهانی
 * بحث: مباحث الفاظ جلد اول
 * ناشر: نورالبشری
 * ویراستار: مرتضی طالبی
 * حروف‌نگار و صفحه‌آرا: عبدالحکیم رحیمی
 * تهیه و نظارت: رضا خیبری
 * چاپ: مرکز چاپ و نشر اسراء
 * نوبت چاپ: اول
 * سال نشر: بهار ۱۳۹۷ هـ. ش - رجب ۱۴۳۹
 * تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه
 * شابک: ۷ - ۴۸ - ۷۸۳۵ - ۶۰۰ - ۹۷۸
 * قیمت: ۳۵۰۰۰ تومان

همه حقوق طبع برای ناشر محفوظ است

مرکز پخش: قم، صفائیه، کوچه ۲۲ (آمار)، پلاک ۲۹
 تلفن: ۰۲۵-۳۷۷۳۲۴۲۹-۳۷۷۳۲۵۵۹
 پست الکترونیک: sadibaji@hotmail.com
 http://Www.dibajiesfahani.ir

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱۵	مقدمه استاد.....
۲۸	امر اول: موضوع علم و مسائل آن.....
۲۹	اقسام واسطه.....
۳۰	اقسام عرض.....
۳۲	اختلاف مبنای مصنف رحمته الله علیه با مشهور.....
۳۳	اقسام مبادی.....
۳۴	رابطه موضوع علم با موضوعات مسائل علم.....
۳۵	مسائل علم.....
۳۹	تمایز علوم.....
۴۱	عدم لزوم عنوان خاص.....
۴۳	موضوع علم اصول.....
۴۳	نظریات علما در موضوع علم اصول و نقد آن.....
۴۳	اشکال مصنف رحمته الله علیه بر نظریه مشهور.....
۵۰	تعریف علم اصول.....

۵۳	تعریف علم أصول از نظر مرحوم آخوند رحمته الله
۵۴	محسنات تعریف آخوند رحمته الله
۵۷	امر دوم: تعریف، منشأ و اقسام وضع
۵۸	منشأ وضع
۵۹	اقسام وضع
۶۶	وضع حروف
۶۷	اشکال مصنف رحمته الله بر مشهور و تفتازانی
۶۸	دیدگاه صاحب فصول رحمته الله
۷۴	خلاصه کلام مصنف رحمته الله
۷۷	وضع جملات خبری و انشایی
۷۹	وضع اسمای اشاره و ضمائر
۸۳	حاصل کلام
۸۴	خلاصه امر دوم
۸۵	امر سوم: استعمال لفظ در معنای مجازی
۸۹	امر چهارم: اطلاق لفظ و اراده نوع، صنف، مثل یا شخص آن
۹۲	اشکال صاحب فصول رحمته الله
۱۰۲	خلاصه امر سوم
۱۰۲	خلاصه امر چهارم
۱۰۴	امر پنجم: موضوع له لفظ، ذات معنا
۱۰۷	نقد کلام شیخ الرئيس رحمته الله و محقق طوسی رحمته الله
۱۱۲	خلاصه امر پنجم
۱۱۴	امر ششم: وضع مرکبات
۱۱۶	سه نکته
۱۱۸	خلاصه امر ششم

۱۱۹.....	امر هفتم: تشخیص حقیقت از مجاز
۱۲۰.....	علامت اول: تبادر و عدم تبادر
۱۲۱.....	اشکال پیش آمدن دور
۱۲۸.....	علامت دوم: عدم صحت سلب
۱۳۴.....	علامت سوم: اطراد و عدم اطراد
۱۳۹.....	خلاصه امر هفتم
۱۴۰.....	امر هشتم: تعارض احوال لفظ
۱۴۱.....	دو بیان مصنف رحمته الله درباره تعارض
۱۴۲.....	۱. تعارض معنای حقیقی با احوال پنج گانه
۱۴۲.....	۲. تعارض احوال پنج گانه با یکدیگر
۱۴۴.....	خلاصه امر هشتم
۱۴۶.....	امر نهم: حقیقت شرعیّه
۱۴۶.....	۱. تعریف حقیقت شرعیّه
۱۴۶.....	۲. تعریف حقیقت مشرعه
۱۴۶.....	۳. اقسام وضع
۱۴۷.....	یکم: وضع تعینّی
۱۴۸.....	دوم: وضع تعینی
۱۵۰.....	ثبوت حقیقت شرعیّه
۱۵۸.....	ثمره بحث
۱۶۲.....	خلاصه امر نهم
۱۶۳.....	امر دهم: صحیح و اعم
۱۶۴.....	مطلب اول: مبتنی بودن نزاع صحیحی و اعمّی بر مسئله حقیقت شرعیّه
۱۶۶.....	قول منسوب به شیخ انصاری رحمته الله
۱۷۱.....	نظر باقلانی
۱۷۱.....	تفاوت کلام باقلانی با علمای اصول
۱۷۳.....	مطلب دوم: معنای صحت و فساد

مطلب سوم: لزوم تصویر قدر جامع.....	۱۷۶
الف) تصویر قدر جامع نزد صحیحی ها.....	۱۷۶
اشکال شیخ انصاری رحمته الله بر قدر جامع صحیحی ها.....	۱۷۹
جواب مصنف رحمته الله به اشکالات شیخ انصاری.....	۱۸۲
ب) قدر جامع نزد اعمی ها.....	۱۸۴
وجه اول و اشکال آن.....	۱۸۵
وجه دوم و اشکال آن.....	۱۸۷
وجه سوم و اشکال آن.....	۱۸۹
وجه چهارم و اشکال آن.....	۱۹۳
وجه پنجم و اشکال آن.....	۱۹۶
مطلب چهارم: چگونگی وضع و موضع له الفاظ عبادات.....	۱۹۹
مطلب پنجم: ثمره نزاع بین صحیحی و اعمی.....	۲۰۲
ثمره اول.....	۲۰۲
ثمره دوم.....	۲۰۶
ثمره سوم.....	۲۰۸
ادله صحیحی ها.....	۲۱۰
دلیل اول: تبادل.....	۲۱۱
دلیل دوم: صحت سلب از فاسد.....	۲۱۳
دلیل سوم: اخبار.....	۲۱۴
دلیل چهارم: عدم تخطی شارع مقدس از روش واضعین.....	۲۱۸
ادله اعمی ها.....	۲۲۰
دلیل اول: تبادل.....	۲۲۰
دلیل دوم: عدم صحت سلب.....	۲۲۱
دلیل سوم: صحت تقسیم.....	۲۲۲
دلیل چهارم: روایات.....	۲۲۴

۲۳۰	دلیل پنجم: صحت تعلق نذر به ترک صلاة در حمام
۲۳۴	تتمه بحث صحیح و اعم
۲۳۴	امر اول: عدم جریان نزاع در معاملات، بنا بر وضع آن‌ها برای مسیبات
۲۳۸	امر دوم: اطلاق الفاظ معاملات
۲۴۰	امر سوم: بررسی حالات مدخلیت اجزا و شرائط در موضوع له عبادات
۲۴۱	۱. جزء الماهیه
۲۴۱	۲. شرط الماهیه
۲۴۲	۳. جزء الشخص
۲۴۲	۴. شرط الشخص
۲۴۴	۵. به عنوان عملی مستحبی
۲۴۵	تبیین ثمره نزاع
۲۴۷	خلاصه امر دهم
۲۵۰	امر یازدهم: اشتراک لفظی
۲۵۱	امکان وقوعی مشترک لفظی
۲۵۹	خلاصه امر یازدهم
۲۶۰	امر دوازدهم: استعمال لفظ مشترک در بیش از یک معنا
۲۶۷	جواب مصنف
۲۷۴	اشکال و جواب
۲۷۶	ثمره بحث
۲۷۸	خلاصه امر دوازدهم
۲۷۹	امر سیزدهم: مشتق
۲۸۲	۱. مراد از مشتق
۲۸۴	اشکال صاحب فصول رحمته الله
۲۸۵	جواب مصنف رحمته الله
۲۹۴	۲. جریان نزاع در اسم زمان

۲۹۶	۳. خروج افعال و مصادر از محل نزاع
۲۹۸	دفع شبهه
۳۰۵	اشتقاق در اسم و حرف
۳۱۶	۴. تأثیر اختلاف مبادی در دلالت مشتق
۳۱۹	۵. مراد از حال در بحث مشتق
۳۲۸	۶. نبود اصل در مسأله
۳۳۲	اقوال در مسأله مشتق
۳۳۳	نظریات متأخرین
۳۳۴	دلائل قول مصنف رحمته الله
۳۳۵	۱. تبادر
۳۳۵	۲. صحت سلب از منقضى عنه المبدأ
۳۳۶	۳. برهان تضاد
۳۳۷	اشکال محقق رشتی رحمته الله صاحب بدائع الافکار
۳۴۵	جمع بندی مطالب گذشته
۳۵۲	قول به تفصیل در وضع مشتق و جواب مصنف رحمته الله
۳۵۵	قول به وضع مشتق برای اعم
۳۵۵	۱. تبادر
۳۵۶	۲. عدم صحت سلب
۳۵۸	۳. استدلال به آیه شریفه { لا ینال عهدی الظالمین }
۳۶۴	استدلال به آیه شریفه بر طبق مبنای مصنف رحمته الله
۳۶۹	بیان چند امر
۳۶۹	۱. بسیط بودن مفهوم مشتق
۳۷۱	اشکال صاحب فصول رحمته الله بر میر سید شریف رحمته الله
۳۷۲	جواب مصنف رحمته الله از صاحب فصول رحمته الله
۳۹۲	نظر محقق دوانی رحمته الله
۳۹۴	ارشاد و راهنمایی در معنای بساطت

۳۹۵	۲. فرق بین مشتق و مبدأ اشتقاق.....
۳۹۷	اشکال صاحب فصول رحمته به کلام اهل معقول.....
۳۹۹	جواب مصنف رحمته
۴۰۰	۳. ملاک صحت حمل.....
۴۰۴	۴. تغایر بین مبدأ و ذات.....
۴۰۷	۵. اعتبار قیام مبدأ به ذات.....
۴۰۸	تحقیق مصنف رحمته
۴۱۷	۶. عدم اعتبار تلبس حقیقی ذات به مبدأ در صدق مشتق.....
۴۲۲	خلاصه امر سیزدهم.....

مقصد اول: اوامر

۴۲۸	۱. ماده امر.....
۴۲۸	مبحث اول: معنای لغوی و عرفی لفظ امر.....
۴۳۰	نظر مصنف رحمته درباره معنای لفظ امر.....
۴۳۳	اهمیت تعیین معنای امر.....
۴۳۶	مبحث دوم: اعتبار علو در معنای امر.....
۴۳۸	مبحث سوم: لفظ امر حقیقت در وجوب.....
۴۳۹	دلیل اول: تبادر.....
۴۳۹	مؤیدات دلیل اول.....
۴۴۰	دلیل دوم: توبیخ عبد به جهت مخالفت مولی.....
۴۴۱	ادله طرفداران مشترک معنوی بودن لفظ امر.....
۴۴۴	مبحث چهارم: طلب حقیقی یا طلب انشایی.....
۴۴۶	اتحاد طلب و اراده.....
۴۴۸	وجدان: دلیل اتحاد طلب و اراده.....
۴۵۱	بررسی ادله اشاعره مبنی بر عدم اتحاد طلب و اراده.....

۴۵۶	بیان یک توهم و دفع آن
۴۶۲	اشکال اشاعره بر اتحاد طلب و اراده
۴۶۳	جواب از اشکال
۴۶۵	شبهه جبر و جواب آن
۴۶۶	اشکالی دیگر
۴۶۷	جواب از اشکال
۴۷۲	خلاصه فصل اول
۴۷۳	فصل دوم: مباحث مربوط به صیغه امر
۴۷۳	مبحث اول: معانی صیغه امر
۴۷۸	حکم سایر صیغه‌های انشایی
۴۸۳	مبحث دوم: صیغه امر حقیقت در وجوب
۴۸۴	نظر صاحب معالم رحمته الله
۴۸۶	مبحث سوم: جملات خبری در مقام انشاء
۴۹۲	دلیل مصنف رحمته الله بر این که جملات خبری در وجوب ظهور دارد
۴۹۴	مبحث چهارم: ظهور صیغه امر در وجوب
۴۹۷	خلاصه مباحث اول تا چهارم
۴۹۸	مبحث پنجم: واجب توصّلی و تعبّدی
۴۹۹	مقدمه اول: معنای وجوب توصّلی و وجوب تعبّدی
۵۰۰	مقدمه دوم: معنای قصد قربت در متعلّق امر
۵۰۲	توهم: امکان داخل کردن قصد قربت در عبادات
۵۱۳	مقدمه سوم: عدم صحت تمسک به اطلاق امر
۵۱۵	عدم جواز تمسک به اطلاق در قصد وجه
۵۱۶	تمسک به اطلاق مقامی
۵۱۹	اصل عملی در مقام شک
۵۱۹	نظر مصنف رحمته الله : جریان اصل اشتغال
۵۲۶	امر فعلی، در مرکب مشتمل بر قصد قربت

۵۲۷	 خلاصه مبحث پنجم
۵۲۸	 مبحث ششم: مقتضای اطلاق صیغه امر
۵۳۱	 مبحث هفتم: امر عقیب حظر
۵۳۵	 مبحث هشتم: عدم دلالت صیغه امر بر مَرّه و تکرار
۵۴۱	 معنای مره و تکرار
۵۴۵	 ثمره بحث مَرّه و تکرار
۵۴۷	 تفصیل مصنف رحمته الله در مقام امثال
۵۵۰	 مبحث نهم: عدم دلالت صیغه امر بر فور یا تراخی
۵۵۲	 اشکالات مصنف رحمته الله بر دلالت اوامر بر فور
۵۵۶	 تتمه عدم دلالت صیغه امر بر فوراً فقوفاً
۵۵۸	 خلاصه مبحث ششم تا نهم
۵۶۵	 کتاب نامه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مقدمه استاد

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ
الطَّاهِرِينَ وَلَعَنَةُ اللَّهِ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ

عن الامام موسى بن جعفر عليه السلام:

«تَفَقَّهُوا فِي دِينِ اللَّهِ فَإِنَّ الْفَقْهَ مِفْتَاحُ الْبَصِيرَةِ وَتَمَامُ الْعِبَادَةِ وَالسَّبَبُ إِلَى الْمَنَازِلِ
الرَّفِيعَةِ وَالرُّتَبِ الْجَلِيلَةِ فِي الدِّينِ وَالْدُّنْيَا»^۱

شکی نیست که از بهترین دانش‌ها و با ارزش‌ترین علم‌ها، علم فقه است. علم فقه، کلید بصیرت و سبب تکامل و وسیله رسیدن به مدارج عالیّه و مراتب جلیله در دین و دنیاست؛ همچنین علم اصول که از مبادی تصدیقیّه و پایه‌های علم فقه به شمار می‌رود، از بهترین علوم است. روشن است که بیشتر احکام الهی، نظری است نه بدیهی؛ زیرا، منابع اولیه احکام اسلام، قرآن، سنت، اجماع و عقل است و فهم ظواهر قرآن و سنت، به علم اصول (مباحث الفاظ و مباحث عقلیّه) وابسته است؛ چون، احادیث نبویّه و روایات اهل بیت علیهم السلام همچون آیات شریفه قرآن، بر اوامر و نواهی، عام و خاص، مطلق و مقید، مجمل و مبین، انشاء و خبر، مفهوم و منطوق و... مشتمل است.

امام هشتم حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام فرموده است: «إِنَّ فِي أَخْبَارِنَا مُشَابِهًا

كَمْ تَشَابَهَ الْقُرْآنُ وَ مُحْكَمًا كَمْ مُحْكَمِ الْقُرْآنِ فَرُدُّوا مُتَشَابِهَهَا دُونَ مُحْكَمِهَا؛^۱ روایات

ما همچون قرآن متشابه و محکم دارد؛ متشابهات را به ما ارجاع دهید (ما معانی آنها را می دانیم) و به محکّمات عمل کنید».

فهم ظواهر آیات و روایات، به علم اصول بستگی دارد و قواعد اصولی را امامان معصوم علیهم السلام بیان فرموده اند. حضرت امام محمد باقر و امام جعفر صادق علیهم السلام در مدینه منوره و مسجد الرسول صلی الله علیه و آله و سلم حلقه درس تشکیل دادند و در هنگام جنگ و درگیری بین بنی امیه و بنی عباس (نعمه الله علیهم)، فرصت را غنیمت دانسته و در مدت کوتاه، برای بشریت و آینده تاریخ، شاگردانی استوار تربیت نمودند که هر کدام در آسمان علم و فقاہت ستاره ای درخشان بودند.

این معلمان دلسوز و امیدآفرین، دانشجویان مکتب خود را به فراگیری احکام و نوشتن روایات و درایت و حفظ و حراست احادیث، تشویق نمودند و باب اجتهاد و فتوا را به روی آنان باز کردند و در مواردی مردم را به سوی شاگردان برجسته خود، مانند ابان بن تغلب و یونس بن عبدالرحمن و زکریا بن آدم ارجاع می دادند.^۲

هشام بن سالم نقل می کند که امام صادق علیه السلام فرمود: «إِنَّمَا عَلَيْنَا أَنْ نُلْقِيَ إِلَيْكُمْ الْأُصُولَ وَ عَلَيْكُمْ أَنْ تَقَرَّعُوا»؛ بیان قواعد و اصول به عهده ماست، استنباط و به دست آوردن فروع به عهده شما خواهد بود».

داوود بن فرق مدعی گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: «أَنْتُمْ أَفْقَهُ النَّاسِ إِذَا

۱. همان، ج ۲، ص ۱۸۵.

۲. جامع الرواة، ج ۱، ص ۳۳۰؛ رجال نجاشی، ج ۱۰، ص ۴۴۶؛ معجم الرجال، ج ۹، ص ۳۱۶.

۳. بحار الانوار، ج ۲، ص ۲۴۵.

عَرَفْتُمْ مَعَانِي كَلَامِنَا؛^۱ شما زمانی که معانی و مفاهیم کلام ما را بدانید فقیه‌ترین (و داناترین) مردم هستید».

و در روایت دیگری فرمود: «... وَلَا يَكُونُ الرَّجُلُ مِنْكُمْ فَقِيهَا حَتَّى يَعْرِفَ مَعَارِيضَ كَلَامِنَا؛ مردی از شما فقیه نمی‌شود تا این که اشارات (و معانی التزامیه) کلام ما را بداند».

صاحب کتاب اصول الاستنباط از علامه بزرگوار مرحوم سید حسن صدر رحمته الله نقل می‌کند: ایشان در کتاب «الشیعه وفنون الاسلام» نوشته است: نخستین کسی که از علم اصول سخن گفت و مسائل آن را مطرح نمود، حضرت امام محمد باقر و فرزند او حضرت امام جعفر صادق علیه السلام بودند و نخستین شخصی که در علم اصول تصنیف داشت و مباحث الفاظ را به رشته تحریر درآورد، شاگرد امام صادق علیه السلام، هشام بن حکم (متوفی ۱۷۹ هـ) بود؛ سپس، یونس بن عبدالرحمن (متوفی ۲۰۸) شاگرد امام کاظم علیه السلام بود که درباره تعادل و تراجم سخن گفت و کتاب نوشت؛ سپس می‌نویسد: جلال‌الدین سیوطی در کتاب «الاوائل» می‌گوید: اولین کسی که در اصول فقه تصنیف داشت، شافعی (از علمای اهل سنت) بود؛ سپس، شیخ الشیعه شیخ مفید رحمته الله؛ نیز، بهترین کتاب در اصول فقه، کتاب سید مرتضی علم الهدی رحمته الله به نام «الذریعة الی اصول الشریعة» بود؛ سپس، کتاب شیخ طوسی رحمته الله به نام «العدة».^۲

مرحوم آقای صدر رحمته الله در کتاب دیگرش به نام «تأسیس الشیعه» می‌نویسد: سخن سیوطی که نوشته نخستین مصنف در علم اصول شافعی بود، صحیح نیست؛ زیرا، هشام

۱. همان، ج ۲، ص ۱۸۳ حدیث ۳.

۲. اصول الاستنباط، ص ۳۳.

بن حکم قبل از شافعی بود؛ هشام سال ۱۷۹ق رحلت نمود و شافعی سال ۱۵۰ق متولد و سال ۲۰۴ وفات نمود.^۱

بنابراین، اولین مصنف در این علم، هشام بن حکم (متوفی ۱۷۹ق) بود که کتاب «الالفاظ» را در مباحث الفاظ نوشت^۲ و «کتاب الأخبار» را در حجیت خبر واحد تصنیف نمود.^۳

بعد از هشام، شاگرد امام کاظم علیه السلام، یونس بن عبدالرحمن (متوفی ۲۰۸هـ) است که درباره تعادل و تراجیح کتاب «اختلاف الحديث و علل الحديث» را به رشته تحریر درآورد.^۴

آری! ائمه معصومین علیهم السلام، پیشگامان اصلی علم اصول بوده‌اند؛ شاگردان برجسته آن‌ها، همچون محمد بن مسلم است که سی هزار حدیث از امام محمد باقر علیه السلام و شانزده هزار حدیث از امام جعفر صادق علیه السلام نقل کرده است؛ نیز، ابان بن تغلب، سی هزار حدیث از امام صادق علیه السلام دارد؛ به گونه‌ای که امام علیه السلام به او فرمود: «إجلس فی مسجد المدینه وأفت الناس فإنی أحب أن یری فی شیعتی مثلك؛^۵ در مسجد مدینه بنشین و فتوا صادر کن (احکام الهی را بیان کن) که من دوست دارم، مثل تو در شیعیانم دیده شود» و به عبدالرحمن بن حجاج فرمود: «یا عبدالرحمن کلم اهل المدینه فإنی أحب أن یری فی

۱. الفهرست ابن ندیم، ص ۲۵۷.

۲. تأسیس الشیعه لعلوم الاسلام، ص ۳۱۰.

۳. الفهرست للشیخ الطوسی، ص ۲۰۷.

۴. معجم رجال الحديث، ج ۲۰، ص ۱۹۸.

۵. رجال النجاشی، ص ۱۰.

رجال الشيعة مثلک؛^۱ با مردم مدینه صحبت کن (احکام را برای آنها بیان کن) همانا من دوست دارم، امثال تو در بین شیعیان وجود داشته باشد».

و روی عن علی بن المسیب الهمدانی قال قلت للرضا ع شُقَّتِي بَعِيدَةً وَ لَسْتُ أَصِلُ إِلَيْكَ فِي كُلِّ وَقْتٍ فَمِمَّنْ أَخَذَ مَعَالِمَ دِينِي قَالَ ع مِنْ زَكَرِيَّا بْنِ آدَمَ الْقُمِّيِّ الْمَأْمُونِ عَلَى الدِّينِ وَ الدُّنْيَا؛^۲ علی بن مسیب می گوید: به حضرت رضا ع عرض کردم، راه من دور است و همیشه نمی توانم، به محضر شما بیایم. مسائل دین را از که بیاموزم؟ امام ع فرمود: از زکریا بن آدم که از جهت دین و دنیا مورد اطمینان است».

در صدر اسلام، تنها مرجع در بیان احکام الهی، شخص پیامبر اسلام ص بود و بعد از او، اهل بیت و ائمه معصومین ع، پاسداران وحی و مرجع شیعیان بودند که آن زمان، انفتاح باب علم بود و به نقل متون روایات و احادیث اکتفا می کردند؛ اما، از آغاز غیبت کبری و انسداد باب علم (سال ۳۲۹ هـ.ق)، استخراج احکام، به اجتهاد و استنباط و تفحص بیشتری نیاز پیدا کرد؛ از این رو، شیوه به دست آوردن احکام، استدلالی شد و اجتهاد روند تکاملی پیدا کرد و نخستین فردی که در این راه قدم برداشت و در مقام استنباط مسائل فقهیه به قواعد اصولیه اعتماد کرد و اجتهاد را پی ریزی نمود، مرحوم حسن بن علی بن ابی عقیل صاحب کتاب «المستمسک بحل آل الرسول ص» و یکی از اساتید مرحوم جعفر بن محمد بن قولویه ر (صاحب کتاب کامل الزیارات) و مرحوم شیخ مفید ر (صاحب کتاب مقنعه و....) بود.^۳

۱. معجم رجال الحديث، ج ۹، ص ۳۱۶.

۲. جامع الرواة، ج ۱، ص ۳۳.

۳. مقدمه کتاب مناهج الوصول، للسید القائد الكبير الامام الخميني ر، ص ۱۳.

بعد از او ابن جنید اسکافی رحمته الله (متوفی ۳۸۱ق) سپس، شیخ مفید رحمته الله و سید مرتضی

علم الهدی رحمته الله صاحب کتاب «الذریعة الى اصول الشریعة»، شیخ طوسی رحمته الله صاحب کتاب «عدة الاصول»، سید ابن زهره حلبی، ابن ادريس الحلّی، محقق صاحب شرایع، خواهرزاده او، علامه حلّی و فرزند علامه، فخرالمحققین و شهید اول و شهید ثانی و فرزند صاحب معالم و شیخ محمدتقی اصفهانی رحمته الله صاحب هدایة المسترشدين (حاشیه بر معالم) و برادرش صاحب فصول و... بودند؛ تا نوبت به مرحوم شیخ انصاری رحمته الله (متوفی ۱۲۸۱هـ) نادره ده، رادمرد تاریخ اندیشه، دانشمند فرزانه قرن سیزدهم هجری رسید. ایشان کتاب رسائل را در علم اصول (مباحث ادله عقلیه) و مکاسب را در مباحث فقهی به رشته تحریر درآورد؛ این دو کتاب در حوزه‌های علمیه محور مباحث اصولی و فقهی بوده و فهم آن‌ها، ملاک اجتهاد و استنباط است.

بعد از مرحوم شیخ انصاری رحمته الله شاگرد فرزانه‌اش، علامه محقق شیخ محمدکاظم خراسانی رحمته الله (متوفی ۱۳۲۹هـ) بود او نابغه روزگار و پایه‌گذار برجسته‌ترین دوره علم اصول و مدرّس کم‌نظیری بود که به تعبیر صاحب الذریعه، بیش از پانصد نفر از شاگردانش، مجتهد یا «قرب من الاجتهاد» بودند.^۱

وی، علاوه بر کتاب‌های «درر الفوائد»، و «الفوائد الاصولیة»، کتاب «کفایة الاصول» را نوشت. در این کتاب شریف، یک دوره کامل علم اصول (مباحث الفاظ و مباحث ادله عقلیه) را با عباراتی موجز (قلیل اللفظ و کثیر المعنی) به رشته تحریر درآورد. این کتاب، حدود یک قرن است که همچون نگین انگشتر، در حلقه دروس حوزه‌های علمیه شیعه می‌درخشد و در سطوح عالیّه تدریس می‌شود و محور خارج اصول قرار گرفته و بیش از صد نفر از مجتهدان شیعه، بر این کتاب حاشیه یا شرح نوشته‌اند.^۲

۱. الذریعه، ج ۲، ص ۱۱۱.

۲. گلشن ابرار، ج ۱، ص ۴۳۴.

حقیر در تدریس کفایة الاصول از برخی از این حواشی و شروح استفاده نموده‌ام مانند حقائق الاصول،^۱ عنایة الاصول،^۲ منتهی الدرایة،^۳ مناهج الوصول و انوار الهدایة،^۴ مصباح الاصول و المحاضرات^۵ و شرح الکفایة،^۶ ... و لله درّهم و علیه اجرهم و جزاهم الله خیراً وهو بسبق حائز تفصیلاً مستوجب ثنائی الجملاً و الله یقضی بهبات وافره لی و له فی درجات الآخرة

در خاتمه از آقایان محترم، خصوصاً فرزندان عزیزم که با سعی و کوشش بی دریغ خود آخرین دوره بحث اینجانب را در سال ۸۳-۱۳۷۹ از سطح کفایة الاصول در مباحث الفاظ و اصول عقلیه بازنویسی و تقریر و به صورت نوشتاری در شش مجلد به نام توضیح الکفایة تنظیم نمودند، صمیمانه تشکر و سپاسگزاری می‌کنم. امید است خداوند منان آنان را از گزند روزگار محفوظ و این خدمت علمی را در علم اصول که از مبادی علم فقه و مبانی استنباط احکام الهیه است قبول فرماید.

والسلام علیکم ورحمة الله
پانزدهم جمادی الاولی ۱۴۳۲ هـ ق
سید محمدتقی دیباجی حسینی اصفهانی
حوزه علمیه قم

۱. للسید الحکیم رحمته الله.

۲. للسید الفیروزآبادی رحمته الله.

۳. للسید الجزائری المروج رحمته الله.

۴. للسید القائد الامام الخمینی رحمته الله.

۵. للسید الخونی رحمته الله.

۶. للشیخ عبدالحسین الرشتی رحمته الله.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مقدمه نویسنده

الحمد لله و الصلوة على رسول الله و على آله آل الله ﷺ و لعنة الله على اعدائهم اعداء الله.

اما بعد، مجموعه پیش رو که به نام «توضیح الکفایه» نامگذاری شده؛ تقریرات آخرین دوره تدریس «کفایه الاصول» والد معظم، حضرت استاد، آیت الله سید محمد تقی دیباجی اصفهانی رحمته الله است که در سال های ۱۳۸۳-۱۳۷۹ ایراد فرمودند.

به فضل خداوند متان، این حقیر توفیق آن را یافتم که در آخرین دوره تدریس کفایه الاصول والد محترم که چهار سال طول کشید؛ حضور مستمر و فعال داشته، حدود پانصد نوار صوتی از درس های ایشان را در مباحث الفاظ و اصول عقلیه ضبط نموده و به صورت خام به نوشتاری تبدیل کنم. پس از آن، با همکاری جناب حجت الاسلام آقای شیخ مهدی رزاقی، این دروس، مورد تحقیق و تنظیم قرار گرفت و در شش مجلد به نام «توضیح الکفایه» آماده چاپ گردید.

سعی ما در این مجموعه بر آن بود که از اطاله مُمل و ایجاز مُخل که در علم بلاغت از آفات و عیوب کلام شمرده شده است، اجتناب نموده و متن کفایه و دروس استاد را با عباراتی واضح و روشن توضیح دهیم. اعراب گذاری کلمات مهم متن عربی و آوردن خلاصه ای در پایان هر فصل، از دیگر ویژگی های این مجموعه است

از آنجا که محصول کار انسان غیر معصوم، هرچه باشد و از هرکه باشد، خالی از

اشتباه نیست؛ از خوانندگان محترم تقاضا می‌شود در صورت مشاهده اشتباه، تذکر بدهند تا در چاپ‌های بعدی اصلاح گردد.

در خاتمه از باب عمل به سفارش ثامن الحجج امام علی بن موسی الرضا علیه السلام که فرمودند: «مَنْ لَمْ يَشْكُرِ الْمُنْعِمَ مِنَ الْمَخْلُوقِينَ لَمْ يَشْكُرِ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ»^۱ از پدر عزیز و استاد گرانقدرم که همواره مرا از رهنمودهای دلسوزانه و امیدساز خود، در مراحل مختلف زندگی بهره‌مند نمودند، سپاسگزاری می‌نمایم و از تلاش پیگیر و بی‌دریغ همکاران محترم در تقریر، تنظیم و ویراستاری این مجموعه، حضرات آقایان محترم و حجج اسلام؛ مهدی رزاقی، محمدرضا رحیمی، منصور اسدی، رضا خیبری، سید محمدرضا دیباجی، محمد جوکار، مرتضی دانی‌چی، علی رضائی، و برادران شکوری، علی و مهدی، تشکر و قدردانی نموده، توفیق روزافزون ایشان را از درگاه خداوند متعال مسئلت می‌نمایم.

والسلام علیکم ورحمة الله

سید احمد دیباجی اصفهانی

۱۵/جمادی الاول/۱۴۳۸

۱۳۹۵/۱۱/۲۵

قم المقدسه